

ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مشارکت در انتخابات)

مهدی بیگدلو^۱
محسن مرادیان^۲

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی ارتباط بین مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر وجهی از مشارکت با عنوان مشارکت در انتخابات که بخش وسیعی از فعالیت سیاسی مردم را در برمی‌گیرد، به آزمون فرضیه ارتباط بین دو متغیر مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم ج.ا.ایران می‌پردازد.

تحقیق از نظر داده‌ها کمی، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت پیمایشی است که پس از انجام تحقیق، در این تحقیق از نظرات ۷۲ نفر از دست‌اندرکاران اجرای انتخابات و نخبگان و مسؤولان آشنا با قدرت نرم کشور در وزارت امور خارجه و سازمان‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی که به صورت تصادفی به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شده بودند، استفاده شد و داده‌های حاصل از ابزار اندازه‌گیری تحقیق که پرسشنامه‌ای ۱۸ سؤالی بسته است، با آزمون آماری اسپیرمن مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که با شدت رابطه ۰/۷ بین مشارکت مردم در انتخابات و قدرت نرم ج.ا.ایران رابطه قوی و معنی‌داری وجود دارد و با توجه به جهت مثبت رابطه بین دو متغیر می‌توان با افزایش مشارکت مردم در انتخابات بر قدرت نرم ج.ا.ایران افزود.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، مشارکت سیاسی، مشارکت مردمی، قدرت، قدرت نرم

Email: Mahdi.bigdeloo@yahoo.com

Email: mohsenmoradian@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۶/۱

۱- کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشکده فارابی

۲- استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۲

مقدمه

جمهوری اسلامی از دههٔ دوم انقلاب اسلامی و پس از جنگ، ترور و تحریم با تهاجم فرهنگی مواجه شد که کم‌کم این تهاجم به شبیخون فرهنگی و تهدید نرم و در نهایت، با تشکیل جبهه ناتوی فرهنگی از سوی غرب علیه جمهوری اسلامی، جنگ نرم کامل شد. مشروعیت‌زدایی از نظام اسلامی مبتنی بر محوریت ولایت فقیه در فضای اجتماعی هدف اصلی این جنگ است. دشمنان تلاش می‌کنند پشتوانهٔ مردمی نظام اسلامی را تضعیف کرده و برای رسیدن به این مقصد، تغییر باورها و نگرش‌های مردم را دنبال می‌کنند.

برای مقابله با جنگ نرم باید راهبردهای اصلی دشمنان را شناسایی و متناسب با هریک راهبردهایی را تنظیم نمود. جنگ نرم در حقیقت در پی انحراف اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی - اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی ایجاد کند.

اما با چه روشی می‌توان در مقابل این تهاجم از خود دفاع کرد؟ اگر مقابلهٔ سخت‌افزاری دشوار است، از چه روشی می‌توان بهره گرفت تا بر دشمن برتری جست؟ بدون شک، ارتقای قدرت نرم یکی از این راهکارها خواهد بود که تلاش دشمنان را خنثی خواهد نمود. انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از همین وجه قدرت با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و بر هم زدن معادلات جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت نموده و شالودهٔ نظم بین‌المللی را فارغ از نظام سلطه پی‌ریزی کند که تقویت مداوم این شکل از قدرت در حقیقت تداوم مسیر انقلاب در جهان بوده و این امر با تقویت ظرفیت‌های موجود در کشور راحت‌تر امکانپذیر خواهد بود. یکی از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی مشارکت بالای مردمی در نمادهای مشروعیت نظام همچون انتخابات است، اما چگونگی ارتباط مشارکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مسأله‌ای است که این تحقیق به آن خواهد پرداخت.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نماد پیروزی یک حکومت مبتنی بر ارزش‌ها و اعتقادات بود که فصل تازه‌ای در جنبش‌های مردمی گشود و جایگاه باورهای ایدئولوژیک را ارتقاء داد. با شناخت این مبانی اعتقادی بود که غرب پس از آزمون اشکال مختلف تهدید و آگاهی از ناکارآمدی این تهدیدات، نبرد برای تضعیف ارزش‌های اسلامی و اعتقادی را با ترور شخصیت‌ها، بی‌اعتمادی به ارزش‌ها، جدایی مردم از مسؤولین و... در دستور کار خود قرار داد و جنگ فکری و اعتقادی را به منظور تضعیف قدرت نرم نظام اسلامی آغاز کرد. از این‌رو، محافظت از نظام اسلامی با تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

۱- مفهوم مشارکت^۱

مشارکت یعنی حضور مردم در عرصه‌های مختلف اجتماعی- سیاسی جامعه (محرابی، ۱۳۸۷: ۵۷) و به مفهوم همکاری، شرکت در کاری یا امری یا فعالیتی و حضور در جمعی یا گروهی یا سازمانی برای بحث و تصمیم‌گیری (چه به صورت فعال و چه به صورت غیر فعال) است که در آن نقش و مسؤولیت فرد چندان تعریف نشده است. به طور اخص، مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که اعضای یک جامعه از طریق آن‌ها در امور جامعه (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) شرکت کرده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات مدنی مشارکت می‌کنند.

عده‌ای از متفکران نیز مفهوم مشارکت را با توجه به ابعاد و ریشه‌های شکل‌گیری آن تعریف و معنا بخشیده‌اند و در این راستا مفهوم مشارکت را در عرض دموکراسی قرار داده‌اند. از این منظر، تا آنجا که به سیاست مربوط می‌شود، مسأله مشارکت به قدمت طرح مفهوم دموکراسی است و برخی نیز دموکراسی را خویشاوند نزدیک مشارکت سیاسی دانسته‌اند (فرهادی، ۱۳۷۲: ۱۰).

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی «مشارکت» در صحنه‌های گوناگون ملی است. مشارکت در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و

1 . participation

ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به‌مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حلّ و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد. هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌خصوص در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی جلب نماید، در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار می‌گردد (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴).

۱-۱- مشارکت سیاسی

واژه «مشارکت» در اصطلاح علوم سیاسی، معانی گوناگونی دارد. بر همین اساس، در کتاب‌های گوناگون با تعاریف متفاوتی آمده است. آنچه از اجمال همه تعاریف به دست می‌آید این است که دخالت مردم یا دست‌کم درگیر شدن آن‌ها در سیاست به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه یا حتی اختیاری و غیراختیاری را مشارکت نام نهاده‌اند. برخی از تعاریف نیز فقط به آگاهانه بودن و برخی به اختیاری بودن اهمیت داده و مشارکت سیاسی را در آن قالب تفسیر کرده‌اند. در زیر به برخی از تعاریف گوناگونی که برای «مشارکت سیاسی» ذکر شده است اشاره می‌شود:

- مشارکت سیاسی یعنی مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۳۰۰).

- مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۹).

- مشارکت سیاسی به‌معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱).

- مشارکت سیاسی به معنی شرکت در اعمال قدرت است؛ اعمال قدرتی که قرن‌ها در دست افراد، گروه‌ها یا طبقات اجتماعی معینی بوده است و مردم در فرایندهای سیاسی جامعه خود نقشی نداشتند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲).

به‌طور کلی و با توجه به تعریف‌های ارائه شده، مشارکت سیاسی فعلی است که فقط با ارادهٔ نفسانی محقق نمی‌شود، بلکه اراده معطوف به تأثیر و نفوذ در نظام سیاسی از کمترین درجه تا درجات بالای تأثیر را شامل می‌شود.

ویژگی‌های مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی جزئی از رفتار اجتماعی محسوب می‌شود چراکه اول، به‌منزله یکی از ارکان و شاخص‌های عمده توسعهٔ سیاسی به‌شمار می‌رود. دوم، رابطه تنگاتنگی با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد و سوم، به میزان زیادی بیانگر نوع نظام سیاسی هر جامعه است. بنابراین، مطالعهٔ مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌کند.

مشارکت پیامدهای دوسویه دارد؛ زیرا در یک معنا فقدان مشارکت و انفعال به این مفهوم است که دولت از منابع بالقوه‌ای که باید در خدمت آن قرار گیرد، بی‌نصیب می‌گردد و از سوی دیگر، مشارکت زمانی مؤثر واقع می‌شود که تغییراتی بنیادی در اندیشه و عمل به‌وجود آیند. از این‌رو، ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطهٔ مشترک دارند و آن بها دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آن‌ها به منافع قدرت است.

در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی از توجه شایانی برخوردار گردید. شعارهای انقلابی و تأکید آن‌ها بر ارزش‌ها و آرمان‌هایی همچون استقلال، آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت توسط مردم همگی حکایت از دعوت مردم به مشارکت بالای سیاسی دارند. شعارهای انقلاب که بر زبان مردم جاری بوده نیز نشان از تأکید بر مشارکت سیاسی دارد و همچنان مشاهده می‌شود که مقوله آزادی و مشارکت سیاسی و امنیت به‌عنوان مهم‌ترین محور شعارهای انتخاباتی در جامعه ما اهمیت دارد (پناهی، ۱۳۷۹: ۶۳).

مشارکت سیاسی پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً فعالیت سیاسی دارند و نه اینکه از نظر شکل یا وسعت در همهٔ جوامع به یک اندازه است، بلکه به این معناست که در همهٔ جوامع وجود دارد و شرایط پذیرش تغییرات را فراهم می‌سازد (راش، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

مشارکت سیاسی ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. در مشارکت آزادی نهفته است و بدون آزادی و امکان فکر کردن و عمل آزاد مشارکت واقعی امکان ندارد. بدین منظور، دولت‌ها نیز برای مشارکت سیاسی باید امکان رقابت در عرصه کسب قدرت را برای همگان مهیا سازند و در این زمینه برابری بین انسان‌ها و گروه‌ها نیز تأثیر مهمی دارد.

۲. مشارکت سیاسی باید آگاهانه باشد. از این‌رو، مشارکت‌هایی که از روی اکراه و اجبار و فرمایشی است، مشارکت سیاسی واقعی به‌شمار نمی‌آیند.

۳. در مشارکت سیاسی، سه عنصر اصلی وجود دارند: سهیم شدن در قدرت؛ کوشش‌های سنجیده گروه‌های اجتماعی به‌منظور در دست گرفتن سرنوشت و بهبود شرایط زندگی خودشان و ایجاد فرصت‌هایی برای گروه‌های فرودست.

۴. از دیگر ویژگی‌های مشارکت سیاسی، «وسيله بودن آن» است. از این راه افراد می‌توانند با افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش مؤثری ایفا کنند.

۲-۱- مشارکت مردمی

مشارکت مردمی^۱ شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه درون‌زا در هر جامعه‌ای از جمله جامعه ایرانی است؛ توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواست‌های واقعی مردم و با مضمون خاص هر جامعه سازگار شده است (کائوتزی، ۱۳۷۹: ۱۷۳). حتی می‌توان توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را مقید و مشروط به این مشارکت دانست؛ زیرا در توسعه هدف ظهور قابلیت‌های افراد در دو سطح حیات فردی و اجتماعی است و این ظهور و بروز تنها در مشارکت محقق می‌شود و البته پیش شرط هرگونه مشارکتی ایجاد و فراهم‌سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی‌های نظری و عملی اقشار جامعه است؛ زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آن‌ها نقش داشته و آن را کنترل و ارزیابی نموده‌اند مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت.

اندیشمندان سیاست‌میزان و عمق بالای مشارکت مردمی را نشانه توسعه‌یافتگی سیاسی و فرهنگی می‌دانند. از این‌رو، مشارکت خواه برای افراد (شهروندان) و خواه برای نظام سیاسی امری مطلوب به‌شمار می‌رود. این امر خود یک هدف ذاتاً مطلوب و نیز وسیله‌ای برای رسیدن

به سایر اهداف است. مشارکت باعث پاسداری از آزادی، ترویج عدالت و تشویق ثبات است (روحانی، ۱۳۸۴: ۱۲).

این واقعیت که استقرار حکومت‌ها و استمرار آن‌ها منوط به حمایت مردمی است، از جمله اصول علمی به شمار می‌آید که مستندات آن را می‌توان در تاریخ اندیشه و تاریخ تحول جوامع سیاسی از ابتدایی‌ترین صورت‌های آن تا جوامع مدرن و پیشرفته امروزی مشاهده کرد. اساساً اجماع مردمی و توافق مردم بر همراهی نظام سیاسی عنصر اصلی در شکل‌گیری ماهیت دولت است و بدون آن اساساً دولت پدیدار نمی‌شود.

بر این اساس، مشارکت مردمی ظاهرترین وجه انسجام ملی را شکل می‌دهد که معمولاً در تمام الگوهای سیاسی و حکومتی به آن توجه شده است. در واقع، آنچه محل اختلاف است شیوه و مبنای شکل‌گیری انسجام در این گستره است نه اصل ضرورت قرارگرفتن مردم حول محوری واحد و حمایت از حکومت که به پیدایش گونه‌هایی متنوع از وفاق در قالب نظام‌های سیاسی مختلف منتهی می‌شود (محرابی، ۱۳۸۷: ۵۸).

امروزه، سیاست مشارکتی یکی از الگوهای مؤثر در ممانعت از شکاف اجتماعی به‌طور عام و تنوع قومی به‌طور خاص به‌شمار می‌رود. در این الگو، صاحبان فرهنگ‌های مختلف ضمن برخورداری از حقوق شهروندی و دموکراتیک در راستای صیانت و تضمین حقوق و موجودیت شهروندان - از جمله تفاوت‌های فرهنگی آن‌ها - نقش‌آفرینی می‌کنند. برخی دیگر از نظام‌های سیاسی ضمن به‌کارگیری سازوکارهای سیاسی مانند تکثرگرایی، سیاست مشارکتی و دموکراسی اصل تمرکززدایی، تقسیم قدرت و توزیع جغرافیایی را به شکل نظام فدرالی در دستور کار خود قرار داده و دموکراسی و سیاست مشارکتی را با عدم تمرکز و فدرالیسم تلفیق می‌نمایند که البته تجویز این قاعده به‌صورت فراگیر و قابل‌تعمیم برای همه جوامع چند فرهنگی ناشی از فقدان علمی‌نگری به پدیده‌ها، سیاست‌ها و روندهای سیاسی - اجتماعی است و باید در هر اجتماعی شاخص‌های خاص را در نظر گرفت.

در انقلاب اسلامی، مردم عاملان اصلی انقلاب بودند و وارثان اصلی پیروزی‌های حاصل از آن نیز هستند. ضمن اینکه تثبیت این پیروزی‌ها و تداوم بقاء در گرو نقش و حضور مستقیم مردم در فرآیندهای جاری است. در گفتمان انقلاب، حضور گسترده مردم در صحنه‌ها و

نقش‌پذیری آن‌ها در فرآیند انقلاب پیامدهای امنیتی فراوانی را برای تثبیت بقاء و تداوم نظام به همراه می‌آورد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)؛ چرا که اتخاذ راهکارهایی که به تقویت و گسترش روزافزون احساس همدلی و یکرنگی کمک رساند به‌طور قطع به همان میزان ضریب امنیتی جامعه را نیز افزایش می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۳۱). اما آنچه می‌تواند بر روحیه مشارکت مردمی اثرگذار باشد اعتماد به مسئولین و اعتقاد به نقش خود در تعیین سرنوشت کشور است؛ چرا که اعتماد به‌عنوان جانمایه سرمایه اجتماعی بیانگر نوعی رفتار ضابطه‌مند است. با وجود چنین عنصری، بدون نیاز به سازمان‌های گسترده سیاسی - اجتماعی نتایج حداکثری با هزینه‌های کم حاصل می‌شود. اعتبار به‌مثابه منبع اصلی در تعیین ظرفیت بازیگران اجتماعی، زمینه اجرای تصمیمات و تعهدات را فراهم می‌سازد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۳) و در نتیجه باعث می‌شود مردم در قبال مسائل کشور احساس مسؤولیت نمایند.

مشارکت مردمی به شکل مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌پذیرد؛ در مشارکت مستقیم مردم مستقیماً و بدون واسطه در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و... برای تعیین زندگی اجتماعی خود و تصمیم‌سازی در برنامه‌ها شرکت می‌کنند و در مشارکت غیر مستقیم، مردم به‌طور مستقیم در فرایند مشارکت مداخله نمی‌کنند، بلکه از طریق واسطه‌هایی که نمایندگان آن به شمار می‌روند، در جریان تصمیم‌سازی دخالت می‌نمایند (طالب، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۷).

۳-۱- مبانی نظری مشارکت

۳-۱-۱- پارسونز^۱

وی در نظریه خود کنش اجتماعی و فرهنگ مشارکت را تحلیل می‌کند. او می‌گوید افراد در جامعه نقش‌های مختلفی در موقعیت‌های مختلف دارند و هر نقش یا موقعیت شبکه‌ای از هنجارها و بایدها و نبایدها دارد. بنابراین هنجارهای مورد نظر در جریان جامعه‌پذیری سازمانی تدریجاً در افراد درونی شده و پایبندی به وظایف را در آن‌ها ایجاد می‌نماید. بنابراین فرهنگ مشارکت میزان پایبندی افراد و اعضاء به رعایت هنجارهای نقش خود است.

او معتقد است که کنش انسان هم‌زمان تحت تأثیر چهار خرده نظام است که هر یک از سطوح پایین‌تر شرایط و انرژی لازم برای سطوح بالاتر را فراهم می‌کند و سطوح بالاتر بر

¹- Parsons

سطوح پایین تر نظارت می‌کنند. این نظام‌ها عبارتند از نظام فرهنگی، شخصیتی، اجتماعی و ارگانیک رفتاری (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۲).

۲-۳-۱- برادول و کانوی^۱

به هر عمل که با انگیزه سیاسی انجام شود، مانند رأی دادن، کمک نقدی و پرداخت پول و امکانات، ارتباط یا عضویت در یک حزب سیاسی، تلاش برای یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راهپیمایی، اعتراض خشونت‌آمیز و امثال این‌ها مشارکت سیاسی گفته می‌شود (Broadwell, 2006: 1).

۳-۳-۱- برگستروم و مهرتروا^۲

گاهی مشارکت سیاسی به منزله کنش شخصی یا خصوصی شهروندانی که به دنبال اثرگذاری یا حمایت از دولت و یا سیاست‌های آن هستند، تعریف می‌شود. از مفهوم مشارکت سیاسی گاهی به منزله وسیله و گاهی به منزله هدف فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌شود. مهرتروا مشارکت سیاسی را به حکومت و سیاست‌های آن محدود نمی‌کند و معتقد است مشارکت سیاسی حمایت‌های قانونی و غیر قانونی، شکل‌گیری مطالبات، بحث سیاسی و دیگر ارتباطات گفتاری و رسانه‌ای که به حکومت مربوط است نیز می‌شود. مشارکت یا کنش سیاسی فعالیت‌های سیاسی که در نهادهای خصوصی انجام می‌شود را نیز در بر می‌گیرد.

(Bergstrom, ۲۰۰۶: ۴ & Mehrotra, ۲۰۰۵: ۱۵)

۴-۳-۱- دمیتروفکا^۳

وی پرداختن مستقیم و غیرمستقیم مردم اعم از گروه‌ها، اجتماعات و افراد به آماده‌سازی، انتخاب کردن، تأیید و تصویب اهداف و راهبردهای سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند. در این تعریف، مشارکت سیاسی به منزله مشارکت در امور سیاسی عمومی و فعالیت‌های نظارتی برای کسب اطمینان از صلاحیت حکومت‌ها در نظر گرفته شده است و روشی برای شرکت عده زیادی از مردم در امور سیاسی است. دمیتروفکا که مسأله مورد بررسی او سازمان‌های سیاسی خودجوش غیر دولتی است، درباره سطوح، انواع و اشکال مشارکت سیاسی مطالعه می‌کند. وی مشارکت را به سه سطح محلی، منطقه‌ای و ملی تقسیم نموده و مشارکت قانونی^۴،

¹ Broad well & Conway

² Bergstrom & Mehrotra

³ Dimitrovka

⁴ Legal

داوطلبانه^۱ و خودجوش^۲، مشارکت بسیج‌گونه، متعارف و غیر متعارف را انواع مشارکت تلقی کرده است. وی برخورداری از شناخت و اطلاع درباره فرایندهای واقعی مدیریت قدرت، فرایندهای مالی، عضویت در احزاب سیاسی و سازمان‌های عمومی مردمی، دسترسی به رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های الکترونیکی جدید (باتوجه به گسترش روبه رشد اینترنت)، وابستگی خانوادگی به رهبران و صاحبان قدرت، میزان آگاهی و وقوف به هویت قومی و مذهبی، همکاری با انجمن‌های دوستی در یک منطقه یا انجمن‌ها یا گروه‌ها یا با هویتی غیر از هویت خودشان و داشتن اوقات فراغت را به‌عنوان عوامل و منابع مشارکت سیاسی مورد مطالعه قرار داده است (Dimitrovka, 2003: 2-6).

۵-۳-۱- لیو^۳

از نظر لیو، سه تئوری مشارکت سیاسی که به عامل نارضایتی در شرایط وجود دموکراسی در جامعه توجه دارند، عبارتند از: ۱- پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد عامل اصلی تعیین تفاوت میان مشارکت سیاسی افراد است. ۲- مکتب فرهنگ سیاسی بر اهمیت ارزش‌ها و گرایش‌ها تأکید می‌کند و عامل تأثیرگذاری سیاسی^۴ و اعتماد سیاسی^۵ را بیش از سایر عوامل بر مشارکت سیاسی مؤثر می‌داند. ۳- مکتب نهادی^۶ وابستگی سازمانی را مد نظر قرار داده است. وابستگی به انجمن‌های داوطلبانه و وابستگی حزبی افزایش مشارکت سیاسی را همراه خواهد داشت. از آنچه لیو اظهار کرده، می‌توان نتیجه گرفت که اگر افراد نظام سیاسی را به‌منزله یک نظام دموکراتیک بپذیرند و به آن اعتماد داشته، مشارکت خود را تأثیرگذار بدانند، نارضایتی آنان افزایش یافته و مشارکت آنان در امور سیاسی (برای تغییر شرایط) می‌شود (Liu, 2001: 1-2).

۲- قدرت نرم

برای تعریف قدرت نرم^۷ باید ابتدا به تعریف واژه قدرت^۸ پرداخت. قدرت توانایی و استعداد انجام انجام دادن کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به‌منظور ایجاد رفتار مطلوب است (حافظنیا، ۱۳۸۲:

1. Voluntary
 2. Spontaneous
 3. Liu
 4. Political efficacy
 5. Political Trust
 6. Institutional
 7. Soft Power
 8. power

۱). به‌زعم بعضی افراد نیز قدرت به مفهوم تأثیرگذار بر رفتار دیگران است به نحوی که آنچه می‌خواهیم اتفاق بیفتد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۱). در تعریفی دیگر، هانس مورگنتا^۱ قدرت را چیزی می‌داند که موجب اعمال سلطهٔ انسانی بر انسان دیگر شده و آن را تداوم می‌بخشد (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). قدرت در سطوح مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما سطحی که بیشتر در تحلیل‌های سیاسی مورد توجه است قدرت در سطح ملی یا قدرت ملی است که تعاریف متفاوتی از آن وجود دارد:

- قدرت ملی، قدرت کامل و نفوذ بین‌المللی یک ملت هم در عرصهٔ قدرت‌های مادی و هم معنوی است که ملت از آن برای بقاء و توسعه استفاده می‌کند، هرچند برخی چون کنت والتز^۲ معتقدند دولت‌ها به آن اندازه از قدرت نیازمندند که قادر باشند با کاربست آن به موازنه‌سازی در برابر دولت‌های دیگر اقدام کنند (عسگری، ۱۳۸۷: ۳۴).

- قدرت ملی توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال و ارادهٔ ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی است (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۵۶).

همان‌طور که در تعاریف مشاهده می‌شود، قدرت ملی دو وجه نفوذ و زور دارد؛ وجه نفوذ بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال نفوذ بر دیگران قدرت خود را به کار گیرند و ارادهٔ خود را تحقق بخشند. وجه زور بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که معمولاً دولت‌ها در مراحل بعدی و در صورت موثر واقع نشدن وجه نفوذ به کار می‌گیرند (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳). وجه نفوذ^۳ همان مؤلفه‌ای است که از آن به قدرت نرم یاد می‌شود و اندیشمندان و محققان سیاست بین‌الملل و مطالعات راهبردی نیز در مناسبات بین واحدهای سیاسی و در عرصه نظام بین‌الملل از این نوع قدرت سخن گفته‌اند. هرچند قدرت نرم دقیقاً همانند نفوذ نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت (تهدید) یا پاداش نیز باشد، ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است (هر چند که یکی از بخش‌های مهم قدرت نرم است). قدرت نرم همچنین

¹ Hans. J. Morgenta

² Kenneth Waltz

³ influence

شامل توانایی جذب کردن نیز می‌شوند و جذب اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد. به بیان ساده و اصطلاح رفتاری قدرت نرم، قدرت جذابیت و در اصطلاح منابع، منابع قدرت نرم دارای‌هایی هستند که چنین جذابیت‌هایی را تولید می‌کنند (نای، ۱۳۸۹: ۴۴).

قدرت متقاعدکنندگی توانایی یک کشور در ایجاد موقعیتی است که کشورهای دیگر علایق خود را بر اساس آن پیش برند یا منافع و علایق خود را به شکلی تعریف نمایند که با علایق و منافع آن کشور همخوان و منطبق باشد (نای، ۱۳۸۲: ۳۷۷). با این توصیف، قدرت نرم توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس و سیاست‌های جذاب است که مشروع و اخلاقی تلقی می‌گردند. چنانچه یک کشور ارزش‌هایی را ارئه نماید که دیگران خواهان پیروی از آن باشند، برای رهبری نیاز به هزینه کم‌تری خواهد داشت (سلیمانی پورلک ۱۳۸۶: ۸۶) و می‌توانند تغییر در رفتار را بدون تهدید یا پاداش ملموس کسب کنند که در این چهره دوم قدرت یک کشور می‌تواند به مقاصد خود در سطح جهانی نایل آید؛ زیرا دیگر کشورها ارزش‌های آن را می‌پذیرند و از آن تبعیت می‌کنند. به این ترتیب، قدرت نرم توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب و نه پاداش و اجبار است (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۶: ۸۵).

از نظر جوزف نای^۱ اگر قدرت را کلیدی‌ترین مولفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل تعریف کنیم، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌ها است؛ به‌گونه‌ای که با دارای‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل قبول با اعتبار معنوی را پدید آورد (نای، ۱۳۸۷: ۷۹). قدرت نرم توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه‌ها و اذهان با هدف تحمیل خواست و اراده از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن ملت و دولت هدف بدون استفاده از زور و فشار فیزیکی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴۴) است. در حقیقت، قدرت نرم یعنی توانایی یک کشور برای جذب سایر کشورها با ایده‌ها، ارزش‌ها و ایدئولوژی خود یا توانایی یک کشور برای واداشتن سایر کشورها به این که آنها نیز مانند او ببینند. این قدرت ارتباط تنگاتنگی با «قدرت‌های بی‌شکل» نظیر فرهنگ، ایدئولوژی و ... دارد (علی‌دوستی، ۱۳۸۷: ۵) و همان طور که آنگوس

^۱. Joseph Nye

تاورنر^۱ در مقاله خود با عنوان «استفاده نظامی از قدرت نرم و عملیات اطلاعاتی» به آن اشاره می‌کند: «قدرت نرم فقط ابزار غرب نیست، بلکه سلاحی مناسب و پایدار برای رقیبان غرب است» (Taverner, 2010: 138).

قدرت نرم در قالب تهدید نرم نیز یک ابزار کاربردی در دست قدرت‌های بزرگ علیه دشمنان آنان محسوب می‌شد؛ به نحوی که بی‌توجهی به قدرت نرم در قالب تهدید توسط این قدرت‌ها، قدرت سخت را تضعیف کرده و راهبرد قدرت را به شکل محسوسی تضعیف می‌کرد (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۴۰). در حقیقت، تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند. این تهدیدها اغلب در ابعاد فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی رخ می‌دهند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). از این رو، در نظر داشتن راهبردی برای ارتقای قدرت نرم برای مقابله با جنگ نرم قدرت‌های خارجی موضوعی الزام‌آور است.

از آنجا که هر کدام از دو نوع قدرت سخت و نرم مبانی نظری و ابعاد و منابع خاص خود را دارد، کشوری قدرتمند است که بتواند با درک وزن هر یک از آن دو در مقاطع و مناطق مختلف، راهبرد ملی و فراملی خود را تنظیم کند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۲۹)؛ چرا که از نظر هانس نای^۲ قدرت پذیرفته شده نرم به اندازه قدرت فرمان دادن سخت اهمیت دارد و اگر یک دولت بتواند قدرتش را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد، با مقاومت کمتری در مقابل آرزوهایش مواجه خواهد شد (Krige, 2010: 122).

برای درک قدرت نرم باید ویژگی‌های این شکل از قدرت را در نظر داشت که عبارت است از:

۱. قدرت نرم توانایی زیادی برای رقابت و گسترش دارد. برخی اندیشمندان بر این باورند که این شکل قدرت قابلیت استفاده در سیاستگذاری خارجی را نیز دارد؛ به طوری که نای در این راستا (تأثیرگذاری بر سیاست خارجی) معتقد است قدرت نرم دو گام یا مرحله دارد:

¹. Angus Taverner

². Hence Nye

گام اول چگونگی به کار گرفتن قدرت نرم برای ایجاد گرایش عمومی احساسات در دولت هدف و گام دوم شناخت نیازهایی است که برای سیاستگذاران حکومت دولت هدف با القای قدرت نرم در عقاید عمومی تأمین می‌شود (لاینی، ۲۰۱۰: ۵۶).

۲. قدرت نرم یک موجودیت ایستا ندارد، بلکه یک فرآیند پویاست. اگر نسبت به ارتقای سطح قدرت نرم بی‌توجهی یا صرف‌نظر شود حفظ توسعه پایدار با اتکا صرف به قدرت سخت دشوار خواهد بود (Layne, 2010: 56). بنابراین، قدرت نرم یک منظومه واحد و متشکل از اجزای مرتبط و متقابل است که این اجزاء هم‌افزایی داشته و هر قدر روابط آن‌ها و نقش‌هایشان به‌خوبی و در راستای هدف واحد اجرا شود، قدرت نرم بیشتری تولید می‌کنند.

۳. قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت‌ها است، بر نوعی ذهنیت استوار است. در واقع، تبعیت از دارندگان قدرت نرم بر اساس باورها و اعتقادات و به میزان اعتبار و شهرت انجام می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۳).

۴. قدرت نرم بر عوامل اجتماعی تأکید دارد. مرور نظریه‌های قدرت نرم دلالت بر نقش-آفرینی بلامنازع جامعه و عناصر اجتماعی در تولید این گونه قدرت دارد. نکته درخور توجه آن که نقش عناصر اجتماعی در فرآیند تولید قدرت نرم، اصولاً نقشی ابزاری-چنان که در نظریه‌های قدرت سخت مشاهده می‌شود- نیست؛ بلکه این عامل به‌صورت «فعال» در سرنوشت جامعه ایفای نقش می‌نماید. به همین خاطر است که افکار عمومی چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی، در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفته و تلاش می‌شود «قدرت نرم اجتماعی» جای قدرت سخت مبتنی بر اجبار را بگیرد (یاسوشی، ۱۳۸۹: ۴۰).

هنر و مهارت مربوط به احیای منابع نرم قدرت بسیار متفاوت از منابع سخت بوده و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی را در برمی‌گیرد که بر بنیاد مفهوم محوری «رضایت‌مندی» قرار دارد. در این چشم‌انداز، تأسیس و تقویت سطح رضایت‌مندی مردم از نظام سیاسی به هدف اول استراتژی‌های نرم تبدیل می‌شود (نگروپونته، ۱۳۹۰: ۲۵) و اعتماد بر سطح رضایت مردم خواهد افزود.

باید توجه داشت که در عصر دهکده جهانی، با کمک فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، کسب قدرت نرم به مراتب راحت‌تر از کسب قدرت سخت است. در این عرصه، مفاهیمی چون امنیت ملی، عمق استراتژیک و دامنه نفوذ دولت‌ها تغییر می‌یابد (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

مؤلفه‌های بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان هم مولود قدرت نرم و هم مبتنی بر قدرت نرم دانست و یکی از شاخص‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان بهره‌گیری از این نوع قدرت دانست. قدرت نرم ج.ا.ایران زیرساخت‌های لازم برای تولید امنیت نرم را به وجود می‌آورد و بیشترین تهدیدات امنیتی را برای جهان غرب ایجاد خواهد کرد؛ زیرا ماهیت کم شدت داشته اما از گستره فراگیری برخوردار است و به هر میزانی که قدرت سازی ماهیت مرحله‌ای و کم شدت بیشتری داشته باشد، نتایج تأثیرگذار فراگیرتری را به وجود می‌آورد (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۰۹). بنابراین، با توجه به ماهیت و ویژگی‌های بیان شده منابع قدرت نرم در ج.ا.ایران را نیز متناسب با آن باید در فرهنگ و اجتماع و حوزه‌های رفتاری جستجو کرد. از این‌رو، برخی منابع قدرت نرم در حوزه داخلی عبارتند از دین اسلام و آموزه‌های مکتب تشیع، فرهنگ دشمن‌ستیزی و تبعیت از مقام معظم رهبری و ولایت فقیه که در ادامه به تفصیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲- دین اسلام و آموزه‌های مکتب تشیع

یکی از کارکردهای دین و مذهب انگیزه‌آفرینی و تقویت ایمان و باور به هدف است. علاوه بر این، دین و مذهب ضمن جهت‌دهی به بینش‌ها و رفتارها، باورهایی عمیق در وجود افراد تولید و باز تولید می‌کند. به واسطه این اثرگذاری بود که امام خمینی(ره) و نیز برخی دیگر از متفکران همسو با ایشان با احیای مفاهیم قرآنی و اسلامی و رویدادهای تاریخ انبیا و امامان، خون جدیدی در بین اعضای جامعه جاری کردند. مفاهیم و واژه‌های شیعی و اسلامی همچون تقیه، غیبت، انتظار، جهاد و شهادت مجدداً احیا شدند و در بسیج توده مردم نقش عمده‌ای ایفا نمودند (ایمان‌پور و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۴). این روحیه را می‌توان یکی از نمادهای قدرت نرم ج.ا.ایران دانست که نظام سلطه در پی کمرنگ نمودن این برداشت از دین و مکتب تشیع است. دین اسلام و بخصوص مکتب تشیع با تأکید بر الگو گرفتن از سیره ائمه منجر به توسعه فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی شده تا امت اسلامی با بهره‌گیری از آن به مقابله با ظلم و جور برخیزند و زمینه‌ساز ظهور امام زمان(عج) شوند. در حقیقت، مذهب می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد

که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد و این امر در اثراتی که ایدئولوژی مذهبی در وادار کردن افراد، به توجه به منافع دیگران دارد، آشکار است (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

از طرف دیگر، همان طور که افتخاری در مقدمه کتاب «قدرت نرم؛ عدم خشونت» می آورد با بررسی پاره‌ای از گفتمان‌های امنیتی - از قبیل گفتمان ایجابی اسلام - می توان با ساز و کارهای بدیلی، دستیابی به قدرت نرم را با هزینه‌های به مراتب کمتری تحصیل نمود. نقش مستقیم «اعتقاد» (ادیان) در حوزه نیروی انسانی برجسته است؛ به گونه‌ای که می‌تواند کیفیت و توانمندی نیروی انسانی را به شدت افزایش داده و از این طریق شاخص کمیت را کلاً بی‌معنا سازد. از سوی دیگر، عنصر «اعتقاد» می‌تواند به شکل غیرمستقیم در بهبود تلاش‌های مادی (از طریق توکل یا تولید عنصر التزام و جدیت) مؤثر واقع شود (شارپ، ۱۳۸۹: ۲۲). از نظر وی، در حقیقت اسلام با وضع اصول و مبانی کلانی که التزام عملی به آنها برای دولت و مردم - هر دو - ضرورت دارد، عملاً نوعی «وحدت رویه» را بنیان می‌نهد که از بروز شکاف بین دولت و ملت مانع می‌شود و دولت در بستر این تفسیر «همیار» با ملت ارزیابی می‌گردد. بنابراین، هر نظامی که از هماهنگی بیشتری با ملت بر محور «ارزش‌های دینی» برخوردار باشد، از قدرت نرم بیشتری برخوردار است (تی.جی. لنون، ۱۳۸۸: ۱۳).

۲-۲- فرهنگ و روحیه دشمن‌ستیزی

فرهنگ در حقیقت مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و ارزش‌هایی است که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۲۱). اما آنچه در فرهنگ ایرانیان از گذشته تاکنون خودنمایی نموده روحیه دشمن‌ستیزی است که نمونه‌های فراوانی از آن در تاریخ کشورمان قابل مشاهده است.

از شاخص‌های اصلی قدرت نرم آن است که در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشورها قرار داشته و از سوی دیگر، قابلیت لازم برای حداکثرسازی تحرک اجتماعی و کنش سیاسی را دارد. مقاومتگرایی ایران در برابر بازیگران مداخله‌گر نمادی از قدرت نرم محسوب می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۸۷).

اما آنچه بر تقویت این روحیه مؤثر خواهد بود، روشن کردن این موضوع است که تلاش دشمنان برای کسب منافع حداکثری در کشور ماست و همراهی دشمن با یک گروه خاص در

حقیقت برای بهره‌گیری از منافع آن است. از این‌رو، اتحاد گرایش‌های مختلف سیاسی برای مقابله با دشمن مشترک خارجی امری لازم است.

۳-۲- ولایت فقیه

یکی از جایگاه‌های والا در جمهوری اسلامی ایران که نقش خود را در عبور از حوادث پس از انقلاب به‌خوبی نمایان کرده است، ولایت فقیه در مفهوم رهبری جامعه اسلامی است. از آنجایی که مقام معظم رهبری شخصیتی برخاسته از متن جامعه هستند، در پیشبرد اهداف انقلاب نقشی بی‌بدیل دارند؛ زیرا رهبری انقلاب هر قدر از نظر فرهنگی و تاریخی اصیل‌تر و ریشه‌دارتر بوده و هرچه بیشتر به‌صورت روزمره در امور مادی با مردم در ارتباط باشد، در پیشبرد حرکت انقلابی موفق‌تر و کارآمدتر خواهد بود (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱). در حقیقت، در جمهوری اسلامی ایران ولایت فقیه رکن اصلی حکومت اسلامی بوده و عامل گذر از فتنه‌ها و اتحاد در کشور بوده‌اند و تقویت این جایگاه و در نتیجه تبعیت محض از ولایت فقیه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم ج.ا. ایران خواهد بود.

در حقیقت، در جمهوری اسلامی ایران، رهبری عامل بیداری و جوشش توده‌ها و محور وحدت و انسجام مردم و به‌عنوان عاملی در راستای تقویت قدرت نرم کشور به‌شمار می‌آید. ترسیم سیاست‌های کلی نظام و اتخاذ تدابیر و موضع‌گیری‌های قاطعانه، سازش‌ناپذیری در برابر توطئه‌ها و دشمن‌شناسی از ویژگی‌های برجسته رهبری انقلاب اسلامی است که در دوران سخت مبارزه بیشترین نقش را در شناساندن دشمن و تعیین مسیر و شیوه‌های مبارزه با آنان داشته است (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۸۸).

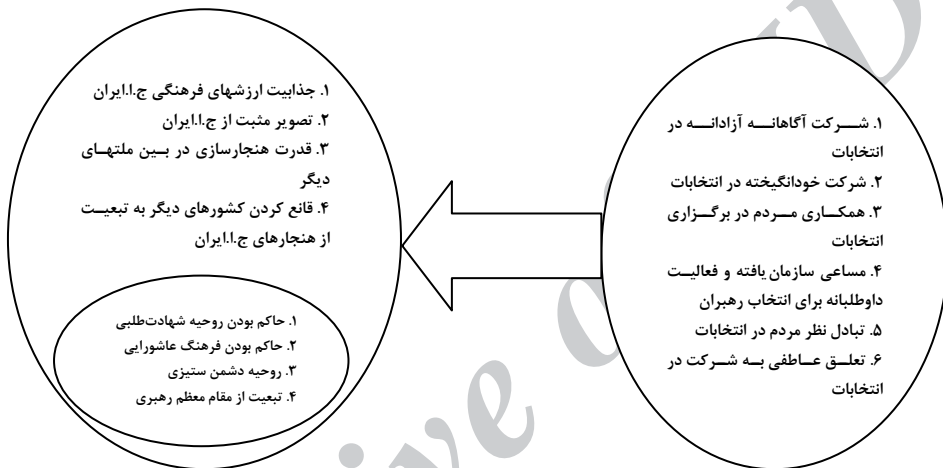
۳- چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری متغیر مشارکت را نظریهٔ دمیتروفکا تشکیل می‌دهد که شاخص‌های شرکت آگاهانه، آزادانه و خودانگیخته مردم در انتخابات؛ همکاری در برگزاری انتخابات برای انتخاب رهبران؛ سطح تبادل نظر مردم در انتخابات و تعلق آنان به شرکت در انتخابات که برگرفته از این نظریه است نزدیکی بیشتری با ویژگی‌های جامعه ایرانی دارد.

اثرگذاری قدرت نرم را می‌توان در دو حوزه داخلی و خارجی مورد توجه قرار داد. در سطح اثرگذاری خارجی نظریهٔ جوزف نای با شاخص‌های جذابیت ارزش‌های فرهنگی نزد ملت‌های دیگر، تصویر مثبت از نظام سیاسی در خارج کشور، قدرت هنجارسازی و قانع کردن کشورهای

دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. اما از آنجایی که در داخل کشور مؤلفه‌های بومی و منحصر به فردی در ج.ا.ایران وجود دارد که نماد قدرت نرم است بیشتر از نظریات اندیشمندان داخلی در این حوزه همچون اصغر افتخاری با شاخص‌های حاکم بودن روحیه شهادت طلبی و فرهنگ عاشورایی، تبعیت از ولایت فقیه و روحیه دشمن‌ستیزی بهره گرفته شده است.

۱-۳- مدل مفهومی تحقیق



۲-۳- جامعه آماری

از آنجایی که جامعه آماری این تحقیق در حقیقت تمام مردم کشور بوده‌اند که دسترسی به آن‌ها عملاً امکانپذیر نیست، از جمع خبرگان مرتبط برای بررسی موضوع بهره گرفته شده است، بنابراین، مسؤولین رده بالای چهار سازمان و وزارتخانه کشور که بیشترین ارتباط را با موضوع تحقیق داشته و توان سنجش شاخص‌های تحقیق را داشتند (نیروی انتظامی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه) به استعداد ۷۸ نفر به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری

برای تعیین تعداد نمونه در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره گرفته شده است. در این روش، اصل شانس برابر برای انتخاب افراد جامعه برای عضویت در نمونه رعایت می‌گردد. برای تعیین تعداد نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده شده است:

$$\frac{NT^2S^2}{ND^2 + T^2S^2} = n \text{ فرمول کوکران}$$

$$N = 78 \text{ جامعه آماری}$$

$$D = 0.05 \text{ سطح معناداری}$$

$$D^2 = 0.0025$$

$$T = 1/96 \text{ سطح اطمینان}$$

$$T^2 = 3/84$$

$$S^2 = 0.6561$$

$$S = 0.81 \text{ واریانس متغیر وابسته (تبعیت کشورهای دیگر از هنجارهای ج.ا.ایران)}$$

$$n = \frac{78(3/84)(0.6561)}{78(0.0025) + (3/84)(0.6561)} = \frac{196/5150}{2/714} = 72/40 \cong 72$$

۳-۳- اعتبار و روایی سؤالات

در این تحقیق، برای تعیین روایی سؤالات از آلفای کرونباخ (Cronbach Alpha method) استفاده شده است. در این روش، ضریب آلفای کرونباخ بین صفر و یک نوسان دارد و هرچه مقدار این ضریب به عدد یک نزدیکتر باشد نشان دهنده همسازی بیشتر گویه‌های یک مقیاس است. در صورتی که مقدار آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. همچنین، برای تعیین اعتبار پرسشنامه از یکی از شاخص‌های اعتبار سازه با عنوان کفایت نمونه‌گیری (KMO) استفاده شده است. هر چه میزان KMO به یک نزدیک‌تر باشد (در صورت معناداری تحلیل) دقت گویه‌ها در سنجش نظریه بیشتر است و معمولاً مقدار بالای ۰/۶۰ مناسب بودن اعتبار را نشان می‌دهد.

اعتبار (سازه)	الفای متغیر کلی (روایی)	گویه تشکیل دهنده	نام متغیر	نوع متغیر
KMO = ۰/۸۵ Sig = ۰/۰۰	$\alpha = ۰/۸۶$	شرکت آگاهانه مردم در انتخابات	مشارکت مردمی در انتخابات	متغیر مستقل
		شرکت خودانگیخته مردم در انتخابات		
		همکاری مردم در برگزاری انتخابات		
		مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش در انتخابات		
		فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخابات رهبران		
		شرکت آزادانه مردم در انتخابات		
		سطح تبادل نظر مردم در انتخابات		
KMO = ۰/۸۲ Sig = ۰/۰۰	$\alpha = ۰/۸۹$	تعلق عاطفی مردم به شرکت در انتخابات	قدرت نرم ج.ا.ایران	متغیر وابسته
		جذابیت ارزش‌های فرهنگی ایران نزد ملت‌های مسلمان		
		تصویر مثبت از جمهوری اسلامی ایران در ذهن ملت‌های دیگر		
		قدرت هنجارسازی جمهوری اسلامی ایران در بین ملت‌های جهان		
		قانع کرده کشورهای دیگر به تبعیت از هنجارها و نهادهای مورد نظر ج.ا.ایران		
		حاکم بودن فرهنگ عاشورایی در بین مردم		
		حاکم بودن روحیه شهادت طلبی بین مردم		
تبعیت از مقام معظم رهبری				
		روحیه دشمن‌ستیزی		

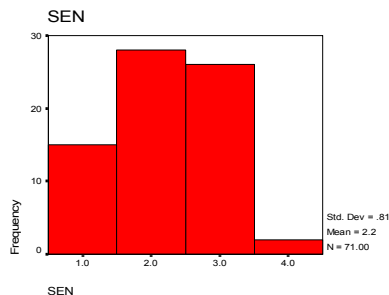
۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- سوالات زمینه‌ای

درصد مجموع	درصد معتبر	درصد	فراوانی		
۲۱/۱	۲۱/۱	۲۰/۸	۱۵	۲۵-۳۵	معتبر
۶۰/۶	۳۹/۴	۳۸/۹	۲۸	۳۶-۴۵	
۹۷/۲	۳۶/۶	۳۶/۱	۲۶	۴۶-۵۵	
۱۰۰	۲/۸	۲/۸	۲	۵۶-۶۵	
	۱۰۰	۹۸/۶	۷۱	مجموع	
		۱/۴	۱	۹/۰۰	بی‌پاسخ
		۱۰۰	۷۲	جمع کل	

۱-۱-۴- سن

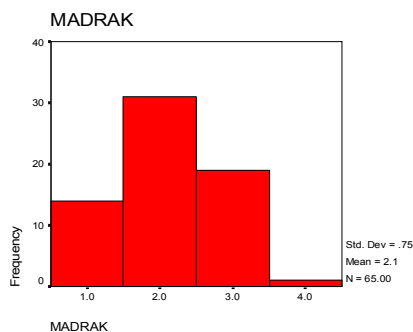
با توجه به جدول و نمودار توزیع فراوانی داده‌ها ۲۰/۸ درصد پاسخ دهندگان بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۳۸/۹ درصد پاسخ دهندگان بین ۳۶ تا ۴۵ سال، ۳۶/۱ درصد بین ۴۶ تا ۵۵ سال و ۲/۸ درصد بین ۵۶ تا ۶۵ سال سن دارند.



۲-۱-۴- مدرک تحصیلی

درصد مجموع	درصد معتبر	درصد	فراوانی		
۲۱/۵	۲۱/۵	۱۹/۴	۱۴	کارشناسی	معتبر
۶۹/۲	۴۷/۷	۴۳/۱	۳۱	کارشناسی ارشد	
۹۸/۵	۲۹/۲	۲۶/۴	۱۹	دکتری	
۱۰۰	۱/۵	۱/۴	۱	حوزوی	
	۱۰۰	۹۰/۳	۶۵	مجموع	
		۹/۷	۷	بدون پاسخ	
		۱۰۰	۷۲	جمع کل	

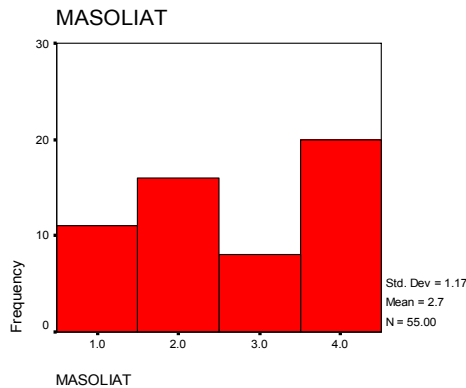
با توجه به جدول و نمودار توزیع فراوانی داده‌ها ۱۹/۴ درصد پاسخ دهندگان مدرک کارشناسی، ۴۳/۱ درصد پاسخ دهندگان کارشناسی ارشد، ۱۹ درصد دکتری و ۱ درصد تحصیلات حوزوی دارند.



۳-۱-۴- مسؤولیت

درصد معتبر	درصد معیار	درصد	فراوانی		
۲۰/۰	۲۰/۰	۱۵/۳	۱۱	امنیتی	معتبر
۴۹/۱	۲۹/۱	۲۲/۲	۱۶	سیاسی	
۶۳/۶	۱۴/۵	۱۱/۱	۸	انتظامی	
۱۰۰	۳۶/۴	۲۷/۸	۲۰	اطلاعاتی	
	۱۰۰	۷۶/۴	۵۵	مجموع	
		۲۳/۶	۱۷	۹/۰۰	بدون پاسخ
		۱۰۰	۷۲	جمع کل	

با توجه به جدول و نمودار توزیع فراوانی داده‌ها ۱۵/۳ درصد پاسخ‌دهندگان در مشاغل امنیتی، ۲۲/۲ درصد پاسخ‌دهندگان مشاغل سیاسی، ۱۱/۱ درصد مشاغل انتظامی و ۲۷/۸ درصد در مشاغل اطلاعاتی مشغول به کار هستند.



۲-۴- همبستگی بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم ج.ا.ایران

برای بررسی همبستگی بین دو متغیر شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و با توجه به تعاریف فرضیه H_0 (بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران رابطه‌ای وجود ندارد) و H_1 (بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران رابطه وجود دارد) و با استفاده از آزمون اسپیرمن^۱ نتایج زیر به دست آمد:

^۱. Spearman

الف) سطح معناداری نشان می‌دهد که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان ادعا نمود که رابطه بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران معنادار است. به بیان دیگر، فرضی H0 رد و فرض H1 تأیید می‌شود.

ب) شدت رابطه (۰/۷) نشان می‌دهد که رابطه قوی بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

ج) از آنجایی که جهت رابطه مثبت است، با افزایش شرکت مردم در انتخابات، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد یافت.

همبستگی‌ها

همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

قدرت نرم	شرکت در انتخابات			
.737(**)	1.000	Correlation Coefficient	شرکت در انتخابات	Spearman's rho
.000	.	Sig. (2-tailed)		
66	70	N		
1.000	.737(**)	Correlation Coefficient	قدرت نرم	
.	.000	Sig. (2-tailed)		
68	66	N		

نتیجه‌گیری

موفقیت نظام‌های سیاسی در تأمین منافع ملی نیازمند در اختیار داشتن ابزارهای گوناگون قدرت است و هرچه این ابزارها حالتی نامحسوس‌تر، اقناع‌کننده‌تر و جذاب‌تر داشته باشد، علاوه بر نتیجه‌گیری مناسب‌تر و کم هزینه‌تر، زمان استفاده طولانی‌تری خواهد داشت. همین تفکرات بهره‌گیری از جلوه نرم قدرت را در مقایسه با قدرت سخت و سنتی قدرت در اولویت دولتمردان قرار داده است؛ هرچند این تغییر رویه به معنی نفی جایگاه قدرت سخت نیست و حتی قدرت نرم در موارد فراوانی برای تقویت قدرت سخت نیز مورد استفاده قرار گرفته و جوزف نای از آن با عنوان قدرت هوشمند یاد می‌کند.

این قدرت نرم در داخل و خارج کشورها کارایی دارد؛ در سیاست داخلی همراه کردن مردم و افزایش مشروعیت نظام سیاسی و افزایش اعتماد مردم به مسؤولین اصلی‌ترین کاربرد قدرت نرم خواهد بود و در سیاست خارجی افزایش اعتبار بین‌المللی و همراهی دیگر ملت‌ها گامی در راستای دستیابی ساده‌تر به سیاست‌های خارجی خواهد بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران جلوه قدرت مردمی در تغییر یک نظام سیاسی خودنمایی کرد و در حقیقت یکی از قابلیت‌های نظام اسلامی برای غلبه بر چالش‌ها و حوادث پس از پیروزی انقلاب تا کنون بوده است. به علت نهادینه نشدن فعالیت حزبی در ج.ا.ایران مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی اشکال گوناگونی به خود گرفته که راهپیمایی‌ها، فراخوان‌ها و... را می‌توان بخشی از آن دانست اما مشارکت در انتخابات را می‌توان مهم‌ترین جلوه مشارکت سیاسی مردم دانست. اما اینکه این ابزار قدرت چه ارتباطی می‌تواند با قدرت نرم ایران در داخل و خارج کشور داشته باشد، موضوعی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده و این نتیجه حاصل شد که بین شرکت مردم در انتخابات و قدرت نرم ج.ا.ایران برای تأثیرگذاری در داخل و خارج کشور ارتباط معنی‌داری وجود دارد که می‌توان از این ظرفیت در راستای ارتقای قدرت نرم ج.ا.ایران بهره گرفت. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود:

۱. با تقویت مؤلفه‌های هویت ملی در بین تمام اقشار جامعه زمینه مشارکت حداکثری مردم در انتخابات کشور فراهم شود.
۲. به منظور افزایش گرایش مردم به انتخابات در مراحل مختلف انتخابات از همکاری آنان در عرصه‌های مختلف برگزاری انتخابات استفاده شود.
۳. برای ممانعت از ورود نامزدهای با پیشینه نامشخص و جلوگیری از نفوذ عناصر نامناسب در انتخابات و در نتیجه دلسرد شدن مردم از شرکت در انتخابات، معرفی نامزدها توسط احزاب قانونی که به اصول نظام پایبند هستند به عنوان فیلتر تعیین اولیه صلاحیت استفاده شود.
۴. فضای مناسب برای تبادل نظر مردم و نامزدها از طریق رسانه‌ها صورت پذیرد.
۵. فعالیت‌های اطلاعاتی و تبلیغاتی جامعه در قبل و حین انتخابات رصد شده و در خصوص مواردی که در بین مردم ابهام وجود دارد، پیش از ورود رسانه‌های بیگانه اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع صورت پذیرد.

۶. اماکن مذهبی در زمان‌های انتخابات برای افزایش سطح آگاهی مردم در خصوص نامزدها و انتخابات به‌عنوان یک رسانه غیر دولتی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. آرک‌لگ، استوارت (۱۳۷۹)، چارچوب‌های قدرت، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم»، فصلنامه بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳. _____ (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۴. _____ (پاییز ۱۳۸۵)، «گفتگو: قدرت نرم انقلاب اسلامی»، فصلنامه بسیج، شماره ۳۲، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بسیج، زمستان، شماره ۴۱، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۶. ایمان‌پور، عباس (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی ایران چالشی بر نظریه‌های انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹)، بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بر اساس شعارهای انقلاب، نامه علوم اجتماعی ۱۱-۱۲، بهار.
۸. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۹. تی.جی.لنون، الکساندر (۱۳۸۸)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، بصیرت پاسداری، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

۱۱. حافظانیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۲)، تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۱۲. راش، مایکل (۱۳۸۳)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
۱۳. ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. روحانی، حسن (۱۳۸۴)، «همبستگی ملی و مشارکت»، نشریه راهبرد، شماره ۳۲، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۵. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
۱۶. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۶)، «نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، فصلنامه راهبرد دفاعی، بهار، شماره ۱۵، تهران: مرکز مطالعات راهبرد دفاعی.
۱۸. شارب، جین (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ عدم خشونت. ترجمه سید رضا مرزانی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. شعبانی، محمدرضا (۱۳۸۰)، «نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران»، پایان‌نامه دکتری، رشته مدیریت، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
۲۰. طالب، مهدی (۱۳۷۵)، «مسائل و موانع جامعه شناختی توسعه روستایی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. عسگری، محمود (۱۳۸۷)، «موازنه نرم در برابر قدرت برتر یک‌جانبه‌گرا»، راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۸۷، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
۲۲. عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)، «بسیج ترجمان آرمان‌های دفاعی امام خمینی(ره) در پاسداشت امنیت ملی»، مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۲۳. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی، تهران: سفیر.

۲۴. علی دوستی، قاسم (۱۳۸۷)، «تهدیدات نرم و رویکردهای مقابله». ماهنامه نگاه، سال اول، فروردین، شماره ۲، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۲۵. فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷). «درک قدرت نرم»، فصلنامه بسیج، جلد ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۶. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲)، فرهنگ یاریگری در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
۲۷. قدسی، امیر (۱۳۸۹)، «تکامل مفهومی قدرت در نظام ژئوپلیتیک جهانی»، راهبرد دفاعی، سال هشتم، زمستان، شماره سی و یک، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
۲۸. کائوتری، هوشین و دیگران (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرائی و داود طبائی، تهران: روش.
۲۹. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۰. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «فرهنگ بسیجی و نظام تصویرسازی آینده نگرانه از منظر قدرت نرم»، مجموعه مقالات قدرت نرم، فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)، چاپ سوم، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳۱. متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه»، سال نهم، تابستان، شماره سی و سوم، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
۳۲. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷)، بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۳. مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
۳۴. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷)، بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. نائینی، علی محمد (۱۳۸۸)، «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، تهران: مرکز مطالعات راهبرد دفاعی.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۷)، «چهره‌های قدرت با مقدمه‌ای بر قدرت نرم»، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

۳۷. _____ (۱۳۸۷)، رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: ابرار معاصر.
۳۸. _____ (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل (چاپ سوم)، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳۹. نگروپونته، جان (۱۳۹۰)، قدرت نرم؛ تهدید سخت، ترجمه محمد عباسی و سید حمیدرضا سیدی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۴۰. ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳)، گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۱. یاسوشی، واتانابه و مک‌کانل، دیوید (۱۳۸۹)، قدرت نرم؛ مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، ترجمه سیدمحسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
42. Bergström, Liza (2006). "Political participation - A qualitative study of citizens in Hong Kong", Karlstad University.
43. Broadwell Wendell (2006). "Political participation", GEORGIA PERIMETER COLLEGE ROCKDALE/NEWTON CAMPUS. www.gpc.edu/~wbroadwe. 1391/1/7
44. Dmitrovka Bolshaia (2003). Report "Development of Forms and Methods of the Political Participation and Social Self-Organization of the Population of Russia". Institute for Comparative Social Research", Moscow <http://www.cessi.ru/index.php?id=1&L=1> 1391/1/23.
45. Krige, john. (2010). "Technological leadership and American soft power", soft power and US foreign policy, edited by inderjeetparmer and Michael cox, New York: Routledge.
46. Layne, Christopher. (2010). "The unbearable lightness of soft power", soft power and US foreign policy, edited by inderjeetparmer and Michael cox, New York: Routledge.
47. Liu. Alex (2001), "Political Participation and Dissatisfaction with Democracy: A Comparative Study of New and Stable Democracies". RM [institute.www.ResearchMethods.org](http://www.ResearchMethods.org) 1391/1/18

48. Mehrotra, Aparma (2005), "Gender and Legislation in America and Caribbean", <http://www.undp.org/rblac/gender/legislation/1391/1/8>
49. Taverner, Angus. (2010). "The military use of soft power-information campaigns", soft power and US foreign policy, edited by Inderjeet Parmar and Michael Cox, New York: Routledge.
50. www.diva-portal.org/kau/undergraduate/abstract.1391/1/8

Archive of SID